



روانی لازم برای قضات فراهم آید، انگیزه‌ی کار دقیق و درست هم در آنان جوانه خواهد زد. مردم از دستگاه قضایی و به ویژه مرجع تجدیدنظر، توقعات زیادی دارند و دانش و تجربه و کار کشتگی قاضی تجدیدنظر باید جلوی بسیاری از اشتباهات رسیدگی و رای در مرحله‌ی بدوی را جبران کند. از سوی دیگر، یکی از زیانهای افزایش بی‌رویه‌ی جمعیت که کمتر مورد توجه و بررسی و مطالعه قرار گرفته است، رشد میزان جرم و ایجاد کشمکش‌های مدنی و کیفری است. هم اکنون تعداد دادگاهها و قضات با تجربه و کاردان با جمعیت ما همخوانی ندارد و باید فکری کرد، زیرا روز به روز وضع بدتر می‌شود و گذشته از بازنگری در شیوه و روش آموزش قضایی و تربیت قضات همراه با فن‌آوری امروز، باید به پیشگیری از جرم نیز پرداخت.

◀ **حبیب محمد علی عزیزاده اشکلک - رئیس شعبه ۳۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران**

## ۳۹۳ فقره پرونده در فروردین ماه رأی داده‌ام

دارای فوق لیسانس حقوق جزا، در بهمن ماه سال ۱۳۶۷ شروع به کار قضایی نموده‌اند. و سمتهای ایشان به ترتیب محل کار از آغاز تا کنون بشرح ذیل بوده است: دادیار دادرسی عمومی جیرفت، دادیار دادرسی عمومی تهران، دادرس دادگاه حقوقی دو مستقل شادگان، رئیس دادگاه عمومی شعبه ششم ورامین، رئیس دادگاه عمومی شعبه دوم دماوند، رئیس دادگاه عمومی شعبه ۲۳۰ تهران، رئیس دادگاه عمومی شعبه ۱۹ تهران، مستشار دادگاه تجدیدنظر، رئیس شعبه ۳۴ تهران از سال ۱۳۸۰ تا کنون.

■ شعبه شما به پرونده‌های کیفری اختصاص یافته یا حقوقی؟

دعای از طریق صلح و سازش که شکیب و توان ویژه قضات را می‌طلبد و چه بسا به خشکاندن ریشه‌های درگیری و اختلاف و مختمومه شدن پرونده‌ها در سایر مراجع نیز می‌گردد، و خود شایان به کاهش طرح پرونده‌ها خواهد بود. توجه بیشتر و راستین به نیازهای مادی و معنوی قضات. قاضی نیازمند به هر معنا که بگیریم، قاضی مستقل و موفق نخواهد بود. وقتی قاضی آرامش مادی و معنوی و امنیت شغلی و اجتماعی نداشته باشد، نباید از او توقع رسیدگی بی طرفانه و عمیق و دلسوزانه داشت. بایستی در دادن شغل و سمت، کیفیات معنوی، دانش و تجربه و پیشینه، بر روابط و معیارهای خاص مورد نظر، ترجیح داده شود. برگرداندن شان قضایی و دور کردن اهریمن سیاست و سیاست زدگی و نشان دادن فرشته فضیلت و آزادی خواهی و استقلال فکری و قضایی به جای آن، یکی از عاملهای مهم پدید آوری انگیزه در کار قضایی است. برگزاری جلسه‌های مشترک دادگاه تجدیدنظر و عمومی برای بررسی راه کارهای تفاهم بیشتر و نزدیک سازی نظرات با توجه به اینکه این مرجع، به جز موارد رسیدگی فوق العاده، آخرین مرجع رسیدگی است.

■ آیا کار زیاد موجب نقصان کیفیت آرای تجدیدنظر نمی‌شود؟

واقع این است که افزایش کار، چه بسا کاهش در میزان و درجه‌ی دقت را به همراه می‌آورد. کارهای فکری نیاز به آرامش و فرصت اندیشیدن دارد. کار قضایی بالاترین نمونه از کارهای فکری است. هنگامی که مسؤولان بیشتر از هر چیز به آمار آخر ماه بیندیشند و تنها آن را ملاک و معیار موفقیت قاضی بدانند، کار از این بهتر از آب در نمی‌آید. اصولاً این نکته باید آویزه‌ی گوش قرار گیرد. عدالت و دادگری آمار بردار نیست، بایستی به کیفیت پرونده‌ها و توش و توان علمی قضات و رفتار سلوک آنان با مردم نگریست و ملاک قرار داد. ناگفته پیداست که اگر زمینه‌های مادی و

دارد، نمی‌توان امید بهره‌برداری مفید از ساعت کار زیاد داشت. اصولاً اگر شرایط روحی و روانی و بدنی قاضی در نظر گرفته شود، میزان بهره‌وری از کار او بیشتر و بهتر خواهد بود. در بیشتر قریب به اتفاق دادگاهها شرایط فیزیکی و محیطی مناسب وجود ندارد. انسان از آن جا که موجود پیچیده و دستگاه مرتبط بهم است، کیفیت و شرایط مادی و فیزیکی می‌تواند در او نقش آفرین باشد. از همین ساعت‌های کنونی کار بایستی با پوشش دادن شرایط مناسب محیطی - مادی زمینه‌ی کار خوب و سودمند قاضی و کارمند را آماده ساخت که متأسفانه این امر مورد غفلت مسؤولان و مدیران قرار گرفته است.

■ بیشترین نواقص و ایرادات شکلی پرونده‌های بدوی چیست؟

یکی از ایرادهای شکلی در پرونده‌های بدوی که در نتیجه منجر به برگشت پرونده از مرجع تجدیدنظر به دادگاه بدوی و اطاله‌ی دادرسی می‌شود، عدم ابطال درست و قانونی تمسب و هزینه‌های دادرسی است. چون تکمیل این نقص باید به وسیله‌ی خود دفتر دادگاه بدوی انجام پذیرد، ناگزیر پرونده به آنجا برگشت می‌شود که خود نیز موجب تضییع وقت طرفین پرونده می‌شود و هم برای دو دادگاه تجدیدنظر و بدوی کار و زحمت اضافی پدید می‌آورد و هم هزینه‌های پست و فرستادن پرونده را به دنبال دارد. البته اشکال از قانون آئین دادرسی هم هست که به دفتر دادگاه تجدیدنظر اجازه مستقیم رفع نقص نمی‌دهد. در این جا بایستی قانون شکلی تغییر کند و دست کم به دفتر دادگاه تجدیدنظر هم اجازه رفع نقص بدهد. این مورد به عنوان یک پیشنهاد می‌تواند مطرح شود تا زمینه تصحیح قانون شکلی پدید آید. برای رفع این دشواری، پیشنهاد می‌کنم که در هر مجتمع یا ناحیه قضایی یک کارمند ویژه برای محاسبه میزان تمسب و تشخیص آن به کار گماشته شود تا در تعیین و ابطال تمسب و هزینه دادرسی و وکالت نامه‌های وکلای دادگستری دقت بیشتری به کار گرفته شود. گاهی نیز عدم تبادل لوایح میان تجدیدنظر خواه و تجدیدنظر خوانده در پرونده‌های مدنی، از علت‌های اطاله دادرسی است.

■ چه پیشنهادی برای بهبود کمیت و کیفیت کار دارید؟

آموزش درست و پیگیری برای قضات و کارمندان، ایجاد انگیزه‌ی مادی و معنوی، قدردانی از ابتکار و جرأت و شهامت قضایی قضات، نگرستن به جنبه‌های کیفی پرونده‌ها و تأکید بر آن، به جای هنر دانستن افزایش آمار پرونده‌ها، هدف بودن رفع خصومت و درگیری و حل اختلاف مردم به جای مختمومه شدن پرونده، کوشش و توجه به حل و فصل خصومت‌ها و

اینجانب در تمام ایام بانزده سال قضاوت خود عهده دار رسیدگی به پرونده های کیفری بوده ام و حتی بطور معمول چند نوع پرونده کیفری به اینجانب ارجاع می شود. یعنی اینطور نیست که هر پرونده کیفری به اینجانب ارجاع شود. معمولاً اینجانب عهده دار رسیدگی به جرائم علیه اموال و جرائم زیست محیطی و بهداشتی بوده ام.

■ چند درصد آرای بدوی در این شعبه نقض می گردد؟

به طور کلی آمار گرفته نشده است. ولی در فروردین ماه سال هشتاد و دو، از بین سیصد و نود و سه فقره پرونده ای که رسیدگی کردم، ۶۳ فقره نقض و رای جدید صادر شد و ۵۹ فقره هم رای بدوی توأم با تغییر و اصلاح و تایید شده است.

■ نقض آراء بیشتر از جهت شکلی است یا ماهوی؟

ماهوی، البته اگر ادله اثبات را به جهت تعلق آن به آئین دادرسی، شکلی بدانیم، باید بگوئیم، هم شکلی و هم ماهوی، قضات محترم بدوی اغلب سوءنیت را مفروض می دانند و یا بهتر بگوئیم از مطالعه پرونده ها اینگونه به نظر می رسد که گویی تمام جرائم دارای مسؤلیت مطلق هستند و بی نیاز از عنصر روانی می باشند. در حالی که اینطور نیست و اصل بر این است که همه جرائم نیازمند اثبات عنصر روانی هستند. همین امر یعنی عدم توجه به عنصر روانی باعث نقض بسیاری از آرا بدوی می گردد. یا اینکه عناصر اختصاصی هر جرم، بطور دقیق احراز نمی گردد. بطور مثال، بسیاری از مواردی که تحت عنوان کلاهبرداری، منتهی به صدور حکم می گردد. در تعریف صحیح قانون کیفری ایران، کلاهبرداری محسوب نمی گردد.

■ آیا طی این چند سال آراء بدوی از نظر کیفیت

رشد داشته است یا خیر؟

پاسخ به این سؤال نیازمند اطلاعات مناسب مقایسه ای و تطبیقی است که اینجانب در این قسمت مطالعه ای نکرده ام.

■ با چه مشکلاتی در محیط کار روبرو هستید؟  
اینجانب الحمدلله در محیط کار با هیچ مشکلی مواجه نیستم و خصوصاً در یکسال گذشته که رئیس کل محترم دادگستری استان تهران حضور بیشتری در محاکم تجدیدنظر دارند و سرپرستی محاکم تجدیدنظر تهران نیز به عهده راد مردی از تبار انبیا و اولیاء به نام جناب آقای سید عبدالرضا طباطبایی گذاشته شده است و بسیار با نشاط، مثل روزهای اول انقلاب، پر جنب و جوش و پویا کار کرده ام.

■ چه پیشنهادی برای بهبودی کمیت و کیفیت کار دارید؟

اینجانب در مرتبه ای نیستم که پیشنهاد بدهم ولی از آنجائی که ما مردم ایران به هر حال در تمام امور تمایل داریم نظر شخصی نیز ارائه بدهیم، اینجانب صرفاً نظر شخصی خویش را بیان می کنم، تا چه در نظر آید. به نظر اینجانب اکنون کمیت کار قوه قضائیه در بسیاری موارد کاذب و دروغین است. یعنی بدان گونه که حکایت می شود، کار در قوه قضائیه زیاد نیست و فکر می کنم اگر تعداد جمعیت و سایر عوامل مؤثر در تشخیص میزان مناسب «کمیت کار» بطور صحیح ملاحظه شوند، کار محوله از حیث کمیت در قوه قضائیه معمول و متعارف است. یعنی در همان ایام گذشته چگونه بوده است، الان هم هست، هیچ تغییر چشمگیری ایجاد نشده است. شاید بهتر باشد این نظر را بایک مثال بیشتر نمایان کنم. تعداد پرونده های وارده کلی برای هر ماه در مجموع محاکم تجدید نظر در اواخر سال ۱۳۸۱ از تعداد پرونده های وارده در سال ۱۳۷۷ نیز کمتر بوده است. البته ناگفته نماند که به همت والای سرپرست محترم محاکم تجدیدنظر سعی شده است که حتی الامکان کارهای کاذب از کارهای واقعی تمیز داده شود و

فکر می کنم اگر در سایر قسمتهای دادگستری نیز، مدیرانی نظیر جناب آقای طباطبائی به خدمت گرفته شود، انشاءالله در سراسر دادگستری جمهوری اسلامی ایران نیز ما شاهد چنین خیر و برکتی خواهیم بود. اما برای ارتقای سطح کیفی کار قضائی، ما باید در امر گزینش و آموزش و کنترل و نظارت همکاران محترم قضائی بیشتر دقت کنیم. ما می توانیم بطور مثال علل نقض آراء را شناسایی کنیم و این جهات را با تاکید بیشتری در دوره آموزش یکساله کارآموزان محترم قضائی مطرح کنیم. یا اینکه به جای استخدام فرد ضعیفی که از حیث تربیت، شخصیت و نظم پذیری دچار ایراد است، به سراغ افرادی برویم که با تربیت، با شخصیت و نظم پذیر هستند. شما دوستان را خسته نکنم، فکر می کنم اگر ما اهل خدمت کردن باشیم، از طرق متعدد و متنوعی و با همین امکانات موجود و با همین بودجه، می توان به قوه قضائیه اعتلاء بخشید.

■ آیا کار زیاد موجب پایین آمدن کیفیت آراء تجدیدنظر نمی شود؟

باید این سؤال تصحیح شود، زیرا عنصر زمان در متن سوال دخالت ندارد. بطور مثال اگر در یک ساعت اداری بیست پرونده کیفری منتهی به رای شود و صادرکننده آراء هم استاد مسلم حقوق کیفری باشد، به نظر می رسد که این آراء از حداقل کیفیت برخوردار نخواهند بود. اما اگر کسی علاوه بر وقت اداری، در بعداز ظهرها و حتی روزهای تعطیل، توأم با احساس مسؤلیت و علاقه مندی برای خدمت به جامعه اسلامی، به امر صدور آراء همت گمارد، چون با صرف وقت بیشتری کار انجام شده است هم تعداد کارهای انجام شده بیشتر خواهد شد و هم اینکه احتمالاً کیفیت آراء مناسبتر خواهد بود. ناگفته نماند اینجانب همانظوری که عرض کردم در فروردین ماه سال جاری (با وصف اینکه تعطیلات فروردین بیشتر از هر ماه است) تعداد سیصد و نود و سه فقره پرونده را مطالعه کرده ام و رای داده ام از این تعداد در شصت و سه فقره، با نقض رای بدوی، رای جدید صادر شده است و در پنجاه و نه فقره دیگر نیز با انجام تغییرات اصلاحاتی، رای بدوی در نتیجه تایید شده است. و تسمام این پرونده ها در دسترس علاقمندان به اطلاع از چگونگی انجام امور قرار دارد. یعنی این امکان هست که پرونده های این شعبه با پرونده های شعبه دیگری که کمتر رای می دهد، از حیث کیفیت مقایسه شود، تا آن وقت جواب به این سؤال بیشتر آشکار خواهد شد. در نتیجه به نظر اینجانب اگر ما نیروی انسانی مناسبی را به انجام کار قضائی بگماریم، بسیاری از این سوالات، عمر مصرف خود را از دست خواهند داد.



دارد. البته این قضیه حل نخواهد شد مگر اینکه ابتدا متولیان امور قضایی خود این مسأله را درک نموده و باور نمایند و بر آن اساس عمل نمایند. ب- حل مشکلات قضات و همکاران اداری از جمیع جهات خصوصاً دغدغه های اقتصادی آن.

■ چه توصیه ای برای قضات محاکم در صدور آرا دارید؟

۱- مطالعه توأم با دقت تمام پرونده هر چند بخش هایی از آن بنظر کم اهمیت جلوه نماید. ۲- پذیرا بودن اصحاب رأی، هر چند که مطالب تکراری عنوان نمایند. چون قسمت عمده ای از واقعات از مکالمات متداعیین یا نمایندگان آنها در محکمه کشف می شود. توصیه به مراجعین برای تدارک لایحه اگر چه مفید است، لیکن کافی نمی باشد، سخن گفتن با اصحاب دعوی، اطلاعاتی را برای قاضی به ارمغان می آورد که هرگز لوایح عریض و طویل، بخش کوچکی از آن را روشن نخواهد ساخت. ۳- مطالعه مستمر و مداوم مسایل متنوع حقوقی خصوصاً مقالات و کتب منتشره در این رابطه. ۴- مشورت با دیگر همکاران، چرا که مشورت دیدگاهی را که تا بحال از وجود آنها بی خبر بوده ایم، مقابل دیدگان ما می گشاید و انسان را از حالت یک بعدی اندیشیدن دور می سازد و به وی پویایی می بخشد. هر چند که نتیجه شور را قبول نداشته باشیم.

■ آیا کار زیاد موجب پایین آمدن کیفیت آرای تجدیدنظر نمی شود؟

بهرتر است با خودمان تعارف نداشته باشیم. هر چه قدر تلاش کنیم و دقت صرف نماییم، بالاخره به سبب محدود بودن وقت و ظرفیت قاضی طبیعی است در خیلی از موارد، دقت و سرعت، حداقل در قضاوت و نزد قاضی مانعاً الجمع بنظر می رسد، عدم دقت در امور باعث می شود که مشکلات حل نشده و به اشکال مختلف دیگر بروز و ظهور نماید، این یعنی درست، خلاف آن چیزی است که باور مدافعان تز سرعت در رسیدگی می باشد. و تجربه عملی آن نیز در حال حاضر در دادگاههای عمومی و انقلاب کاملاً مشهود می باشد.

■ از مسؤولین دستگاه قضایی چه انتظاری دارید؟ آن دسته از مسؤولین محترم قضایی که سابقه نسبتاً طولانی در این دستگاه دارند، بیشتر از هر دست اندرکاری، از معضلات و نیازها و کاستی های آن مطلع هستند. مسؤولین محترم می دانند که باید مقر جایگاه این قوه و هسته مرکزی آن یعنی قاضی را در درجه اول، خودشان درک کنند و بعد به نحو صحیح به دیگران بشناسانند، البته این کاری است که تحقیق نیافته و تحقق آن نیز به گفتن، میسر نیست، بلکه باید باور درست داشته و به آن عمل کرد.

زمینه اصلی پرونده ها در شعبه ۲۵ امور حقوقی است. پرونده های کیفری نیز ارجاع شده و هنوز هم بعضاً ارجاع می گردد. به هر حال زمینه کار در این دادگاه، حقوقی است و پرونده ها نیز به گونه ای است که عمدتاً تلاش بیشتر، و دقت بیشتر و مطالعه مضاعفی را طلب می کند.

■ در حین رسیدگی بعضاً با چه مشکلاتی روبرو می باشید؟

مشکلات موجود در رسیدگی به پرونده ها در دو دسته خلاصه می شوند. الف- مشکلات بر مبنی خاص قضایی که عمدتاً در نقص رسیدگی و عدم تکمیل پرونده ها چه از حیث تحقیقات و چه از دیگر جهات در مرحله نخستین است که این مشکلات نتیجه عوامل متعددی است از جمله: ۱- تراکم فوق العاده و تداخل امور در محاکم بدوی به طوری که طبق اطلاع، روزانه به هر دادگاه بیش از ده فقره پرونده ارجاع می شود و مسلم است که این تراکم الزاماً دایره دقت نظر را مخدوش می سازد، هر چند قاضی مصمم به دقت و رعایت موازین حقوقی اعم از شکلی و ماهوی باشد. ۲- عدم تجربه کافی بعضی از قضات در تمامی مقاطع خصوصاً مرحله نخستین که متأسفانه، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

ب- فقدان این باور که قاضی مستقل است و اساساً لازمه امر قضا استقلال می باشد که در عمل کمتر مورد توجه قرار می گیرد و بعضاً از اساس باور واقعی نسبت به آن وجود ندارد. البته قضات محترم نیز باید مرز مسأله استقلال قضایی و رای را با اجتهاد در مواردی که محمل شرعی، عقلی و قانونی برای آن وجود ندارد بشناسند و به دقت مراعات نمایند. به علاوه وجود مقررات ناسخ و منسوخ که به راحتی هم قابل شناسایی و درک نیست، امر قضا را در شرایط حاضر با دشواری مواجه ساخته است.

■ علل نقض آرای محاکم بدوی چیست؟

پاسخ بخش عمده ای از این سؤال در موارد فرق داده شده است، لیکن به بخشی از آنها فهرست وار اشاره می شود. ۱- تراکم فوق العاده امور، ممکن است فوراً این سوال مطرح شود که آیا کادر قضایی موجود کافی برای نیازهای قضایی نیست؟ در پاسخ بایستی عرض کنم که بنظر نمی رسد که کادر قضایی تکافوی مشکلات موجود عدلیه را بنماید البته بایستی چند نکته مد نظر قرار گیرد و مسؤولین به آن توجه داشته باشند.

الف- تبیین جایگاه معنوی و اجتماعی قضات که بایستی در رأس امور و برنامه ها قرار داشته باشد و هم قاضی باید هوشیارانه بداند که در چه مرتبه ای ایستاده است و هم جامعه این مبنی را بنحوی قبول داشته باشد که قاضی جایگاه رفیعی

■ آیا میزان کار شما با ساعات اداری تناسب دارد؟ از دقت در پاسخ به سؤال قبلی شما، روشن است که پاسخ این سؤال منفی است. اینجانب فقط در ساعات اداری کار نمی کنم، بهتر بگویم، ساعات اداری اینجانب بیشتر به صحبت با ارباب رجوع محترم، کادر اداری محترم که با اینجانب خدمت می کنند و رئیس مستقیم بالاتر از خودم، به منظور اطلاع صحیح از مشکلات پرونده ها و هدایت امور محوله در مجری صحیح می گذرد و تمام، یا بهتر بگویم، اغلب تصمیمات قضایی را اینجانب در ساعات غیر اداری اتخاذ می کنم و در تمام پانزده سال قضاوت خویش به اینگونه کار کردن عشق ورزیده ام.

■ از مسؤولین دستگاه قضایی چه انتظاری دارید؟

عرض خاصی ندارم، به همه مسؤولین محترم دستگاه قضائی خسته نباشید و خدا قوت می گویم و توفیق روز افزون دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران را آرزو می نمایم.

■ به عنوان ختم کلام، چنانچه مطلب خاصی دارید بیان فرمائید؟

خداوند را به خاطر لطفی که نسبت به اینجانب معمول داشته و اجازه داده است تا بعنوان قاضی در جمهوری اسلامی ایران کار کنم، بسیار سپاس می گویم. به نظر اینجانب این توفیق با هیچ چیز دیگری در این دنیای فانی قابل مقایسه نیست. در عین حال، موقع را مغتنم شمرده و از تمام اساتید محترم گروه حقوق جزا و جرم شناسی دانشکده حقوق دانشگاه تهران که در آموزش اینجانب زحمت بسیاری کشیده اند و زیانم از وصف مقام این سرمایه های ارزشمند کشور پهناور ایران قاصر است (به لحاظ اینکه، آموزگار گر چه خداوند نیست، بعد از خدای برتر از آموزگار نیست) صمیمانه تشکر و قدردانی می کنم.

◀ علی اکبر میرزا رضایی - رئیس شعبه ۲۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

## باور جایگاه قاضی به عنوان هسته مرکزی قوه قضائیه

دارای لیسانس حقوق، که در تیر ماه سال ۱۳۵۴ وارد دستگاه قضایی شده اند و در سمتهای، دادرس دادگاه عمومی بخش، رئیس دادگاه بخش، دادرس دادگاههای تهران، رئیس دادگاه حقوقی تهران، رئیس دادگاه حقوقی یک تهران، رئیس دادگاه عمومی، مستشار دادگاههای تجدیدنظر استان تهران، رئیس دادگاه تجدیدنظر استان تهران انجام خدمت نموده اند.

■ در شعبه ۲۵ به چه نوع پرونده هایی رسیدگی می نماید؟